

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

په په اسکوبار (Pepe Escobar)

مترجم: ا. م. شیرینی

۰۳ جون ۲۰۱۱

## باشگاه ضد انقلاب

(آسیا تایمز، هنگ کنگ)

آنها، مرکبند از سلاطین، امیران و تئوکراتهای رسمی. اکثریت آنها در روی اقیانوس نفت (۴۵ درصد ذخایر نفتی جهان) نشسته اند. آنها زرق و برق غرب را- از لندن تا مونته کارلو، از غذاهای لذیذ پاریس تا تسلیحات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را می ستایند. آنها همانقدر از دمکراسی بیزارند که از فقر. بعضی از آنها با اشتیاق به کودتا علیه خلق خود و یا هر اقدام مشابه دیگر دست می زنند. از نظر آنها ایران شیعه خبیث تر از دجال است.

اجازه بدهید شورای همکاری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را که در سال ۱۹۸۱ به سرکردگی عربستان سعودی و با شرکت امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین و عمان تشکیل یافت، به شما معرفی کنم. البته جا دارد آن را شورای همکاری ضدانقلابی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس یا حتی باشگاه، به ویژه برای نخبگان نامید. از دید شورای همکاری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، انقلاب بزرگ عربی سال ۲۰۱۱ فقط با عبور از روی جسد (کاملاً اشباع شده) آنها می تواند به موفقیت برسد.

چرا آنها تا این اندازه به خود مطمئن هستند؟ مسأله عبارت از این است که، صرفنظر از اینکه چگونه دودمان جمهوری در تونس و مصر در هم ریخت، گذشته از اینکه **با کمک بمبها لیبی را به عصر حجر برگرداندند** و چقدر سوریه را تهدید می کنند، هیچ اتفاقی در کشورهای عربی عضو شورای همکاری حوزه خلیج فارس رخ نخواهد داد. زیرا، آنها را نه خدا، بلکه غرب مقدس حفظ می کند.

باشگاه اعضاء جدید می پذیرد.

نباید از نظر دور داشت که بخش اعظم کمی بیش از ۳ هزار مورد بمباران لیبی را از زمانی که در ۳۱ مارچ ناتو فرماندهی جنگ را برعهده گرفت، تا کنون نیروهای هوایی **کشورهای پادشاهی (بریتانیا، دانمارک، هلند،**

**نروژ، قطر و امارات متحده عربی)** به همراهی جمهوریهای فرانسه و ایالات متحده آمریکا با فرماندهی نیروهای نظامی منطقه نی افریقائی آن به عمل آورده اند.

در این هفته، چند ساعت قبل از آن که باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا و دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس کباب خود را به نام «مناسبات ویژه» بپزند، ناتو ۱۹ غیرنظامی لیبی را کباب و حداقل ۱۳۰ نفر را هم کمی برشته کرد. این عمل مورد استقبال گرم شورای همکاری کشورهای عربی حوزه خلیج قرار گرفت.

اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس طی بیانییه مشترک خود سرهنگ معمر قذافی را به کناره گیری و احاله قدرت به شورای موقت انتقالی فرا خواندند. شورائی که تأمین مالی و تسلیحاتی آن را ناتو و شورای همکاری خلیج فارس برعهده دارند. البته، این امر هیچ جای تعجیبی هم ندارد.

شورای همکاری خلیج فارس اخیراً اعلام کرد، که خرسند خواهد شد هر گاه اردن و مراکش را نیز در میان خود ببیند. اما در مورد یمن، که از سال ۱۹۹۹ برای عضویت در این شورا تقلا می کند، بر این فکرند که نباید نگران باشد. زیرا این کشور پادشاهی نیست و علاوه بر آن، بی ثبات هم هست. همه آنها معترضان بی تربیت اند، شما که می فهمید. جالب اینکه، شورای همکاری خلیج فارس می تواند با پشتیبانی کامل ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، به عنوان «میانجی» در امور آن شرکت نموده و عملاً شرایط تغییر رژیم را فراهم آورد.

به غیر از عمان کوچک، که سلطان قابوس به **Ibadism** اعتقاد دارد، همه دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس از مذهب تسنن پیروی می کنند. در ماشین سرکوب بحرین- عربستان سعودی نیز «مشاوران» اردنی کم نیستند.

اردن و مراکش با اینکه به طور کلی در حوزه خلیج فارس واقع نیستند، اما نه فقط به سبب اینکه دارای رژیم پادشاهی هستند، بلکه در وهله اول بدین خاطر که چشم دیدن ایران را ندارند، می توانند به عضویت شورای همکاری خلیج فارس در آیند.

پادشاه بازیگر اردن، یعنی، بخشید، عبدالله دوم (ملک عبدالله دوم پس از آن که شایعه علاقه مندی او به **بازیهای رایانه ای بر سر زبانها افتاد، به «پادشاه بازیگر» ملقب شد**)، در سال ۲۰۰۴ حتی در باره «هلال شیعه»- توطئه شیعه ایران، عراق، لبنان و سوریه برای تسلط بر خاور نزدیک از راه توسل به زور، تئوری عجیبی سرهم بندی کرد. محمد ششم، پادشاه مراکش نیز در سال ۲۰۰۹ به طور یک جانبه روابط دیپلماتیک کشورش را با ایران قطع کرد.

ستاره فعالیت ضدانقلابی شورای همکاری خلیج فارس اندکی کمتر از دو روز پس از آنکه رابرت گیتس (**Robert Gates**) وزیر دفاع آمریکا بحرین را ترک کرد، درخشید. عربستان سعودی، با حمایت نچندان بزرگ امارات متحده عربی، برای حفاظت از خاندان آل خلیفه، یعنی خویشاوندان سنی خود در مقابل بحرینی ها که اکثریت شان در اعتراضات مسالمت آمیز شرکت داشتند، به این کشور لشکر کشید. اتفاقاً، عبداللطیف الزیانی دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس، بحرینی و همکار خاندان حاکم می باشد.

در این ارتباط، هیچگونه اعتراضی از سوی ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل متحد یا اتحادیه اروپا، بمباران ناتو که جای خود دارد، به عمل نیامد. در عوض، هفته گذشته وزرای امور خارجی اتحادیه اروپا تحریمهای جدیدی را علیه بلاروس، ایران، لیبی و سوریه اعمال کردند. لیست این کشورها به طور اتفاقی تنظیم نشده است- آمریکا حتی بیشتر از دوره نئومحافظه کاران برای تغییر رژیمهای آنها تلاش می کند.

**ما را هم به بازی بگیری!**

ناتوی نواستعماری و شورای همکاری پادشاهی- تئوکراتیک خلیج فارس مثل اینکه مخصوصاً به منظور خرسندی کمپنیهای اسلحه سازی تشکیل شده است. شورای همکاری خلیج فارس در پروژه های جهانی دفاع ضدموشکی امریکا شرکت خواهد کرد. امریکا به زودی برای انعقاد بزرگترین قرارداد تحویل سلاح در تاریخ با عربستان سعودی- به ارزش ۶۰ میلیارد دلار- آماده می شود.

اردوگاه امروزی بردگان ستایشگر غرب، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همچنین می خواهند به تفریح و سرگرمی مشغول شوند و در عملیات پسامدرنی کنونی- جنگهای نواستعماری هم شرکت جویند. بالاخره، **خود ناتو را می توان ارتش مزدور نواستعمار نامید** که برای انجام عملیات در هر نقطه از آسیای مرکزی تا شمال افریقا آماده است.

مثلاً قطر را در نظر بگیریم. این کشور اولین کشوری بود که «شورشیان» مشکوک لیبی را به رسمیت شناخت، و اولین عضو شورای همکاری خلیج فارس است که با **جنگنده های میراژ و سی - ۱۷** دور پرواز خود (که به ترتیب از فرانسه و امریکا تحویل گرفته است) در عملیات ناتو شرکت می کند. این کشور، کانال تلویزیونی «**احرار**» را برای شورشیان راه اندازی کرده، آنها را به **سیستم موشکی میلان** تجهیز نموده و البته، فوراً هم صادرات نفت از کرنائیکی را «به زیر نظارت خود در آورده است».

در نتیجه، جایزه، قهرمان خود را پیدا کرد. روز ۱۴ اپریل اوباما امیر قطر، شیخ حمد بن آل خلیفه الثانی را در کاخ سفید به حضور پذیرفت و از او به مناسبت شرکت فعال در تحقق «**دمکراسی در خاور نزدیک**»، یعنی از خدمات قطر در لیبی قدردانی کرد.

در عین حال، ۱۹ ماه می ولیعهد موروثی بحرین، سلمان آل خلیفه در پله های داینینگ استریت ۱۰ بار با دیوید کامرون، نخست وزیر {انگلیس} عکس گرفت. او به روشنی نشان داد که کشتار معترضان غیرنظامی غیرمسلح و راه دادن سعودیها به کشور خود، مشخصاً به نفع تجارت است.

به هر صورت، اگر سخن بر سر بازی در جنگ باشد، در اینجا، قطعاً، امارات متحده عربی پیشتاز است. رئیس جمهور، نیکولا سارکوزی اولین پایگاه نظامی فرانسه در خاور نزدیک را در ابوظبی افتتاح کرد. امارات متحده عربی جنگنده های خود را برای کمک به ناتو به لیبی فرستادند. سربازان آنها در عملیات ناتو در افغانستان شرکت می کنند. به زودی آنها اولین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و به طور کلی، اولین کشورهای عربی خواهند بود که نمایندگان دائمی خود را به ستاد ناتو در بروکسل خواهند فرستاد.

همراه با قطر، کویت و بحرین، امارات متحده عربی در یکی از پرشمارترین «همکاریهای» ناتو، یعنی «ابتکار همکاری استانبول» شرکت می کند. این بدین معنی است که ناتو جای پای خود را در خلیج فارس تحکیم می کند و به منظور درد سر سازی برای ایران، آماده می شود.

**نمی توان وجود «شهرک نظامی زیدا»، پایگاه آموزش ارتش مخفی مزدوران واقع در بیابان متروک را که آموزش دیدگان در آن نه فقط در امارات متحده عربی، حتی در هر نقطه خاور نزدیک و شمال آفریقا به کار گرفته خواهند شد، فراموش کرد.**

**سر آنها را باید برید!**

شایسته تأمل اینکه اخیراً، اریک پرنس (Erik Prince)، «گربه دریائی» سابق و رهبر پیشین بلاک واتر (بلاک واتر در سال ۲۰۰۹ به ایکس ای سرویس «Xe Services» تغییر نام یافت)، با استفاده از ولع شدید امارات متحده عربی به داشتن مزدوران ویژه خود، به حيله گری پر درآمد دیگری دست زد.

۱۳ جولای سال ۲۰۱۰ پرینس از طریق مؤسسه مشترک «رفلکس رسپونسس» (Reflex Responses) اولین قرارداد خود را به ارزش ۵۲۹ میلیون دلار برای ارائه خدمات به شیخ «ترقیخواه»، محمد بن زاید آل نهیان در ابوظبی امضاء کرد. مبتکر این ایده، شیخ زاید بود.

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ۱۴ ماه می خود در باره اینکه چگونه کلمبیایی ها تحت پوشش کارگران ساختمانی، ولی با مهر مخصوص ضداطلاعات ارتش امارات متحده عربی در روادیدشان به منظور بستن دهان مأموران گمرک و کارکنان خدمات مهاجرتی از دادن سوال اضافی به آنها، به امارات متحده عربی منتقل می شوند، با اشتیاق می نویسد. بلی، در واحدهای پرینس، مزدوران کلمبیایی و امریکای مرکزی خدمت خواهند کرد. او ریسک نمی کند برای کشتن مسلمانان از مزدوران مسلمان استفاده کند.

این روزنامه همچنین خبر می دهد که پرینس در نظر دارد «امپراتوری خود را هر چه دورتر از محاکم قضائی و بازرسان کنگره و مأموران وزرات دادگستری در بیابان تشکیل دهد»، بدون اینکه در این باره تعمق نماید.

**در عین حال، در برنامه ارتش مزدور، هر آنچه در باره آن باید دانست، گفته شده. مزدوران در عملیات ویژه در امارات متحده عربی و در خارج از آن، در «جنگهای شهری» و تأمین امنیت «مؤسسات هسته ای و مواد رادیواکتیو»، عملیات «بشردوستانه»(؟)، حفاظت از لوله های انتقال نفت و قله های شیشه ای براق در مقابل اقدامات «تروریستی» و مهمتر از همه، در عملیات «فرونشاندن آشوب» که در صورت بروز، «ازدحام غیرمسلح به سلاحهای گرم»، احتمالاً می تواند از اجسام و اشیاء (سنگ و چوب) به جای سلاح استفاده کند، شرکت خواهند جست.**

همه چیز به طور شفاف در متن گفته می شود. مزدوران، در صورت بروز ناآرامیها در اردوگاههای محل اسکان دهها هزار کارگر جنوب آسیا و همچنین در صورت ابتلای شهروندان امارات متحده عربی به تب دمکراسی خواهی مثل بحرینی ها، به عملیات قصاصی در کشورهای حوزه خلیج فارس دست خواهند زد و برای انجام چنین عملیاتی بهانه بسیار پیش پا افتاده ای نیز وجود دارد - افسانه کهنه «تجاوز ایران».

پرینس از مدتها پیش، به فکر تبدیل بلاک واتر به ارتش مزدور برای به کارگیری در هر نقطه آفریقا، آسیا و خاور نزدیک بود. او حتی می خواست اداره مرکزی جاسوسی از کمپانی وی در عملیات ویژه در نقاط مختلف جهان استفاده نماید. اما «سیا» تصمیم گرفت هواپیماهای بی سرنشین را که راه دورتری می روند، به کار گیرد. او اکنون شیوخ ثروتمند مرید پنتاگون و طرفدار بمباران ایران را در اختیار دارد که تأمین مالی پروژه های او را تقبل کرده اند.

او فعلاً اولین گردان خود را با ۵۸۰ سرباز تشکیل داده است. اطرافیان شیخ زاید می گویند که آنها اگر شایستگی خود را در «عملیات واقعی» ثابت کنند، امارات هزینه تشکیل یک ارتش کامل مرکب از چند هزار پرسنل را به پرینس خواهد پرداخت. این هزینه ها سر به میلیاردها دلار خواهد زد و آرزوی پرینس مبنی بر حرکت به سمت تشکیل مرکز آموزشی مشابه مجتمع بلاک واتر در ایالت کارولینای شمالی در بیابان برای تربیت مزدوران را برآورده خواهد کرد.

آری! می توان منتظر شق جدید سناریوی «عربستان سعودی» در حل مشکل بحرین بود. مثلاً، تصور کنید که مزدوران چگونه پاکستانیها، نپالیها، بنگلادشیاها و فیلیپینی های خواستار بهبودی شرایط کار در امارات متحده عربی را تا سرحد مرگ می زنند.

و یا منتظر عملیات سرّی ویژه در مصر وتونس باشید – زیرا گرایش دولتهای جدید به امریکا و اتحادیه اروپا باید تضمین شود. باز هم می توان پیش بینی کرد که مزدوران برای «ارائه کمکهای بشردوستانه به مردم غیرنظامی» به لیبی اعزام می شوند (به هر حال، نه، این شعار دو ماه پیش داده می شد ولی حالا حتی اوباما اعتراف می کند که هدف از همه این حوادث، تغییر رژیم است).

و بالاخره، این همه «تأسیسات نفتی لیبی» باید در دستان مطمئن شرکتهای فراملیتی امریکائیا و اروپائیا (نه در دست روسها، هندیا و چینیا) متمرکز شود، اطرافیان قذافی باید «خنثی شوند» و لیبی باید به ریشه خود، به دوره ضوابط امپراتوری: «تفرقه بینداز و حکومت کن» باز گردد.

در این صورت، وقتی که مسأله عمق پیدا می کند، باید به چه کسی مراجعه کرد؟ به نظر می رسد می توان به ایکس ای سرویس و شیخ زاید صاحب ابتکارات نوین مراجعه کرد. بنابراین، عجیب نیست که باشگاهی تحت عنوان شورای همکاری خلیج فارس به چنین اردوگاه پرآوازه ضد انقلابی تبدیل می شود. په په اسکوبار - کتابهای نامبرده زیر را نیز تألیف کرده است:

- Globalistan: How the Globalized World is Dissolving into Liquid War, (Nimble Books, ۲۰۰۷).
- Red Zone Blues: a snapshot of Baghdad during the surge.
- Obama does Globalistan (Nimble Books, ۲۰۰۹).

### مؤخره مترجم:

همه برجسته نمائی های متن از مترجم است.

پس از آنکه در نتیجه تلاشها، تحقیق و بررسی های افشاءگرانه میلیونها انسان و ارائه به جرأت می توان گفت میلیونها سند، جعلیات و دروغهای امپریالیستهای غرب برای شروع جنگ استعماری علیه کشور لیبیا آشکار شد و طشت رسوائی آنها با صدی گوشخراش از بام جهان فرو افتاد، این دولتهای جنایت پیشه بر آن شدند تا عملیات کثیف خود را بی سر و صدا و به دور از دید بشریت عادل ادامه دهند. به همین منظور، دیگر مدتهاست عملیات کشتار مردم لیبیا و ویرانی این پیشرفته ترین کشور آفریقا را در زیر هیاهو و هیجان آفرینی پیرامون یکسری حوادث بی اهمیت، مثل قتل بن لادن، زن بارگی استراوس کان، رئیس پیشین صندوق بین المللی پول و رقیب اصلی سارکوزی فاشیست در انتخابات آینده ریاست جمهوری فرانسه، و در روزهای اخیر در پشت جنجال آفرینی پیرامون خیارهای ارسالی اسپانیائیا به المانیا و دستگیری میهن پرستان صرب، از اخبار روزانه خارج نموده، در خفا و خلوت ادامه دهند.

اما به رغم همه اینها، انسانهای اندیشمند و آگاه همچنان به دریدن نقاب از چهره کریه امپریالیستهای «غرب» به عنوان عامل و موجد جعل و دروغ و توطئه، کینه و نفاق و دشمنی، جنگ و اشغال و کشتار و ویرانی، بانی بردگی و برده داری، استعمار کهنه و نو، مزدوری و مزدور پروری، سارقان ثروتهای انسانی، مادی، معنوی و دستاوردهای علمی، صنعتی و فرهنگی بشری، ادامه می دهند.

دیگر بر کمتر انسان خردورزی پوشیده مانده است که «غرب امپریالیستی» مترداف است با جنگ و تجاوز و همه گونه پلیدی و زشتی و جنایت، که حتی با مسخ و تحریف مضمون، مفهوم و ماهیت شعارها و کلمات و عبارات مبین آماجها و آمالهای مقدس بشری، مانند انسان و انساندوستی، برادری و برابری، صلح و استقلال و آزادی، سخت ترین

موانع را در راه پیشرفت و توسعه و تکامل جوامع انسانی ایجاد کرده است. و البته همه اینها اجزاء به هم پیوسته فرهنگ، تمدن و ارزشهای بی ارزش «غربی» را تشکیل می دهند.

امروز، باید با چشمهای باز به صورت واقعیتها نگاه کرد و دید همه آنچه که در اتحاد شوروی و یوگسلاوی و همه کشورهای اروپای شرقی، در افغانستان و عراق و پاکستان، در سودان و سومالی، در لیبیا و ساحل عاج، در سوریه و بلاروس، در فلسطین و لبنان و ایران، در کشورهای افریقائی و امریکای لاتین و یا در هر گوشه دیگر جهان رخ داد و می دهد، حاصل و پیامد همین رویکرد غرب امپریالیستی بود و هست که به دست مزدوران وارداتی و داخلی به اجراء گذاشته شد و می شود.

دو جنگ جهانی دهشتناک اول و دوم، فاجعه بارتر از آنها، جنگ «سرد» و امروز، «جنگ با تروریسم» یا به عبارت صریحتر، جنگ سوم جهانی برای اشغال کشورهای مختلف و گسترش حوزه نفوذ استعمار(گذشته از کودتاهای متعدد نظامی، جنگها و دخالتهای نامرئی)، همه و همه در پرونده دولتهای «غربی» ثبت است.

اشاره آخر اینکه، امپریالیسم جهانی امروزه، بسته به اوضاع و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر کشوری، یا سیمای فاشیستی خود را به نمایش می گذارد (باز هم یوگسلاوی، افغانستان، عراق، فلسطین، لیبیا، سوریه، بحرین، ساحل عاج و...) و یا با نقاب سوسیال-دمکراسی و شعار «بشردوستی» وارد صحنه می شود (بلاروس، ایران به خصوص در جریان اعتراضات مردمی علیه تقلب در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، چین، میانمار و...).

در اوضاع و احوال مخصوصاً امروزی، هوشیاری و بیداری احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی مترقی، به ویژه چپ در مقابل دسیسه ها و تجاوزات لجام گسیخته دولتهای استعمارگر غرب از الزامات صلح و امنیت و ترقی در هر جامعه به شمار می رود. یکی از اولین و موثرترین راههای عقب راندن جنگ سالاران استعمار، پیگیری و جدیت در افشای اهداف پلید و رویکردهای ضدانسانی آنهاست.